

خبر

دو واکنش متفاوت از

«محمد رضا عارف» در باره شهرداری



با استعفای نجفی بازار گمانه‌زنی در خصوص شهردار بعدی تهران داغ شده است. در این میان نام محمدرضا عارف نیز به عنوان گزینه مورد نظر برخی از اعضای شورای شهر تهران به چشم می‌خورد. عارف اگرچه در گفت‌وگو با خبر آنلاین در این باره سکوت کرده اما در گفت‌وگو با اعتماد آنلاین واکنشی متفاوت نشان داده است. رییس فراکسیون امید در پاسخ به سوال خبر آنلاین درباره آنکه شنیده می‌شود قرار است شهردار شود می‌گوید: «من در ایسن رابطه صحبتی نمی‌کنم.» او در پاسخ به سوالی دیگر درباره اینکه شهردار شدن او یا محسن هاشمی نادیده گرفتن حق کسانی است که به آنها رای داده‌اند، تکرار می‌کند: «گفتم صحبتی نمی‌کنم.» محمد رضا عارف در گفت‌وگویی دیگر با «اعتماد آنلاین» در پاسخ به سوالی درباره امضای میثاقنامه اعضای شورای شهر در جهت عدم خروج از شورا می‌گوید: «اعضای شورای شهر باید به رای مردم احترام بگذارند و در شورای شهر حضور داشته باشند. ما میثاقنامه را گرفتیم برای اینکه اجرا شود و انتظارمان از تمام اعضای شورای شهر در تمام شهرستان‌ها این است که به امضا و میثاق شان احترام بگذارند و این خواشش و دغدغه ما است. آنها باید به تعهدات خود مطابق میثاقنامه عمل کنند که طبیعتاً احترام به رای مردم و حضور در شورای شهر است.»

میر دامادی: نه‌امیر انتظام جاسوس بود، نه‌عبدی باز جو

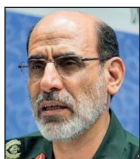


محسن میر دامادی به مصاحبه تصویری عباس امیرانتظام با حسین دهباشی واکنش نشان داد و گفت: موضوع آقای امیرانتظام و مشکلاتی که برای ایشان پیش آمد دغدغه ذهنی من و احتمالاً امثال من بوده است. به همین دلیل من اسناد سفارت امریکا در رابطه با آقای امیرانتظام را که پس از اشغال سفارت منتشر شد بار دیگر مطالعه کردم. در شرایط فعلی که این‌هیجان‌زدگی فضای عمومی دوران انقلاب و به خصوص ماههای پس از اشغال سفارت دیگر وجود ندارد طبعاً منصفانه‌تر می‌توان در اینگونه موارد قضاوت کرد. من در این اسناد هیچ مطلبی که بر جاسوس بودن آقای امیرانتظام دلالت کند ندیدم. طی بررسی‌هایی که اخیراً کردم پس از ارایه اسناد سفارت به مراجع ذیبط، گروهی که مسوول بررسی آن اسناد و انجام تحقیقات از آقای امیرانتظام شده بودند نیز در همان زمان به این نتیجه رسیده بودند که اتهام جاسوسی متوجه ایشان نیست.

وی تصریح کرد: از همان سال‌های اول انقلاب بحث اتهام جاسوسی نسبت داده شده به ایشان مورد پرسش و ابهام بوده‌است ولی امروز در فضای کنونی خیلی قاطع‌تر می‌توان گفت که اتهام جاسوسی درست نبوده و به ایشان آشکارا ظلم شده‌است.

میر دامادی در مورد اظهارات امیر انتظام مبنی بر بازجو بودن عباس عبدی نیز گفت: این اظهار نظر آقای امیرانتظام که آقای عبدی مأمور مراقبت از ایشان بوده است، صحیح نیست. حوزه کاری آقای عبدی اصولاً این نوع امور نبود. فردی که آقای امیرانتظام با آقای عبدی اشتباه می‌گیرد یکی دیگر از دانشجویان بود که نام کوچک‌وی نیز عباس بود و با توجه به اینکه آنجا افراد نوعاً با اسم کوچک یکدیگر را صدا می‌کردند احتمالاً این تشابه اسم باعث این برداشت اشتباه شده‌است. تا یخ اِیرانی

سر دار محمد حسین سپهر جانشین علی فضلی شد



سردار محمد حسین سپهر با حکم سرلشکر جعفری، فرمانده کل سپاه به عنوان جانشین رییس سازمان بسیج مستضعفین، جایگزین سردار علی فضلی شد. علی فضلی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. وی از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۶ به مدت ۱۳ سال فرمانده لشکر ۱۰ سیاه‌الشهدا بود. از سمت‌های دیگر نظامی وی می‌توان به جانشین سابق قرارگاه ثارالله تهران، معاونت عملیات فرماندهی کل سپاه پاسداران و فرمانده سپاه سیدالشهدا استان تهران اشاره داشت که در تیرماه ۱۳۸۷ به این سمت منصوب شد. علی فضلی در ۱۸ آذرماه ۱۳۸۸ به عنوان جانشین جدید غلامحسین غیب‌پور، رییس سازمان بسیج مستضعفین معرفی شد. پیش از این سردار همدانی این مسوولیت را بر عهده داشت که به عنوان فرمانده سپاه تهران بزرگ منصوب شد. سرانجام روز گذشته پس از نزدیک به ۹ سال علی فضلی از بسیج مستضعفین رفت و سردار محمد حسین سپهر جانشین وی شد. سردار محمد حسین سپهر از رزمندگان و ایثارگران دوران دفاع مقدس در استان کرمانشاه است که تاکنون در رده‌های مختلف فرماندهی سپاه در غرب کشور و نمایندگی ولی فقیه در سپاه فعالیت داشته و سال ۸۶ نیز به عنوان گزینه اول استانداری کرمانشاه معرفی شد که با امتناع وی از پذیرش این مسوولیت موضوع منتفی شد. او در تیرماه سال ۱۳۸۷ به عنوان معاون هماهنگ‌کننده‌نماینده‌ولی فقیه در کل سپاه منصوب و معرفی شد و تا روز گذشته در این سمت مشغول فعالیت بود. «سازمان بسیج مستضعفین» که در گذشته با نام نیروی مقاومت بسیج شناخته می‌شد در ۵ آذر ۱۳۵۸ به فرمان امام خمینی تشکیل شد و پس از تصویب مجلس شورای اسلامی در دی ۱۳۵۹ قانوناً رسمیت پیدا کرد و به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تعلق گرفت.

سیاست

گزارش روز

«اعتماد» بررسی می‌کند اصلاحات و پارلمان اصلاحات

میر و محیدیان

«پارلمان اصلاحات» که از سال ۸۷ تا به امروز خاک خورده است چند ماه آخر سال ۹۶ بر سر زبان‌ها افتاد. به گونه‌ای که برخی چهره‌های حزبی از تلاش برای اجرایی کردن آن گفتند و حتی دبیر کل حزب مردم‌سالاری از رونمایی آن در خرداد ماه ۹۷ یعنی دو ماه آینده خبر داد و به نظر می‌رسد همچنان یکی از جدی‌ترین پروژه‌های سیاسی اصلاح‌طلبان به شمار می‌آید با این حال نباید این نکته را از نظر دور داشت که طرح‌کنندگان دوباره این ایده لطیفی بودند که در عمل در ادوار انتخاباتی مجلس دهم و شورای شهر پنجم نارضایتی‌هایی از لیست اصلاح‌طلبان ابراز کرده بودند. همین‌ها هستند که امروز خواستار تحولی برای پویایی تشکیلاتی جریان اصلاحات هستند. اصلاح‌طلبان در حاشیه، با مدلی جدید برای کار تشکیلاتی به میدان آمده‌اند. با این حال آنچه در ایران حزب می‌نامیم، هنوز در ساختار سیاسی دورنمای دقیقی از خود به دست نداده است. اگر چه قانون جدید احزاب تلاشی در جهت حذف احزابی بود که جز بد کشیدن تابلوی حزب نیستند. آنها که از ضرورت اجرایی شدن پارلمان اصلاحات سخن گفتند، از اختلال در فرآیند تشکیلاتی و تکمیل ایده شورای عالی سیاست‌گذاری حرف زدند. مسلم است که وقتی ابعاد و مختصات طرحی به درستی آرایه نشده است، تبعاً موافقت و مخالفت با آن وجه دقیقی نیافته است اما اظهار نظر برخی چهره‌های سیاسی اصلاح طلب نشان می‌د که این طرح را قابل بحث می‌دانند. همین بود که نیمه‌اسفندماه حسین مرعشی، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران از توافقی‌های صورت گرفته بر سر این ایده چنین گفت: «اختلاف نظر وجود دارد ولی در کل هیچ فردی در شورای عالی سیاست‌گذاری مخالف این طرح نیست و مادر حال بحث روی جزئیات این طرح هستیم.»

با این حال مواضع ضد و نقیضی در این خصوص شاهد بودیم. محمود میرلوحی، یکی از اعضای شورای عالی سیاست‌گذاری در بهمن ماه گفته بود که «دوستان در شورای عالی سیاست‌گذاری به این نتیجه رسیدند که اشخاص حقیقی با سازوکار دیگری انتخاب و به شورا ملحق شوند. شکل‌گیری پارلمان اصلاحات در شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان منتفی شده و این شورا این پیشنهاد را رد کرده است.»

مدل‌های تشکیلاتی پارلمان اصلاحات

دو مدل و تصویر از ساختار تشکیلاتی پارلمان اصلاحات در رسانه‌ها از سوی چهره‌های اصلاح‌طلب مطرح شده است. یکی از این مدل‌ها پارلمان اصلاحات با کارویژه نظارتی و بالادستی نسبت به یک نهاد اجرایی که تا به امروز در دو انتخابات مجلس دهم و شورای شهر پنجم با عنوان «شورای عالی سیاست‌گذاری» فعالیت کرده، خواهد بود. در این مدل احتمالاً پارلمان اصلاحات آنچنان که از نامش هم برمی‌آید قواعد و قوانین کار شورای عالی سیاست‌گذاری را تعیین می‌کند. کارگزاران این ایده را مطرح کرد. حسین مرعشی چنین گفته بود: «بر اساس طرحی که به پیشنهاد کارگزاران سازندگی در شورای هماهنگی اصلاحات تصویب شد، قرار است شورای عالی سیاست‌گذاری کار خود را به عنوان نهاد اجرایی ادامه بدهد و پارلمان اصلاحات هم نهادهی بالادستی و نظارتی خواهد بود.» البته طراحان این مدل هنوز از ابعاد ساختاری پارلمان و چگونگی چنین اعضای آن سخنی به میان نیاورده‌اند؛ اما شاید بتوان در این حالت پارلمان اصلاحات را در نقش مجمع عمومی در ساختار متداول احزاب در دنیا تصویر کرد. مجمع عمومی‌ای که ریل حرکت جریان کلی اصلاحات را تعیین می‌کند و شورای عالی سیاست‌گذاری مطابق سیاست‌های مصوب پارلمان اصلاحات روی این ریل حرکت خواهد کرد. در ادامه این دیدگاه این پرسش اساسی مطرح می‌شود که پارلمان اصلاحات به لحاظ چنین اعضا چقدر عمومیت خواهد داشت؟

آیا همه طیف‌ها و جریان‌ها و احزاب اصلاح طلبی در آن حضور خواهند داشت؟ وزن هر کدام از این طیف‌ها در پارلمان اصلاحات چه خواهد بود؟ وابسته به اینکه وظیفه مشخص پارلمان اصلاحات تصویب چه نوع قواعدی خواهد بود، پاسخ به دو پرسش پیشتر مطرح شده، می‌تواند محل بحث و بررسی قرار بگیرد. این ایده به لحاظ ساختار تشکیلاتی شاید تا حدی بتواند جریان اصلاحات را به سمت یک حزب سراسری شدن پیش

siasat@etemadnewspaper.ir

دوشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۷، ۲۹ رجب ۱۴۳۹، ۱۶ آوریل ۲۰۱۸، سال پانزدهم، شماره ۴۰۶۵

گزارش روز

«اعتماد» بررسی می‌کند اصلاحات و پارلمان اصلاحات

احمد مینایی جم‌ایران

گفتم، نظر حزب اراده ملت ایران است. حزب اراده ملت معتقد است که شورای عالی اصلاح طلبان فقط برای انتخابات تشکیل شد و الان انتخاباتی در کار نیست و از طرفی هم شورای عالی اصلاح طلبان علناً جلسه‌ای ندارد و کاری انجام نمی‌دهد.»

میزان فعال است و مسائلی از این دست، می‌تواند تا ۱۵۰ نفر دیگر سهمیه داشته باشند و اعضای‌شان را به پارلمان اصلاحات بفرستند. هم‌اکنون ۲۵ حزب داخل شورای هماهنگی جبهه اصلاحات هستند، ۲۵ حزب اصلاح‌طلب هم خارج از شورای هماهنگی هستند و در نتیجه این ۵۰ حزب می‌توانند هر کدام ۲۰ عضو معرفی کنند و در نتیجه حداقل اعضای پارلمان اصلاحات یعنی ۱۵۰۰ نفر تشکیل می‌شود.» البته شاید برای فعالان سیاسی خبره هم سخت باشد که نام این ۵۰ حزب عضو اصلاح طلب را بگویند. حتی نام بردن ۲۵ حزب عضو شورای هماهنگی جبهه اصلاحات هم کاری است کارستان. به هر حال اینکه به صورت پیشینی و بدون هیچ شاخصه‌ای حداقل حق عضویت ۳۰ نفر برای هر حزب وجود داشته باشد، جای تامل دارد. ضمن اینکه این حق تنها و تنها به این دلیل تعلق می‌گیرد که حزبی نامش را در وزارت کشور ثبت کرده است. البته این ایده نقاط قوتی نیز می‌تواند داشته باشد. تلاش برای ساختن جمعی که شمولیت بیشتری از طیف‌ها و افکار اصلاح طلبی داشته باشد، می‌تواند گامی مثبت تلقی شود. گامی که مطابق وظایف و کار ده‌های مجموعه در آن باید تنظیم شود. طراحان این مدل چندان تمایلی به ادامه کار شورای عالی سیاست‌گذاری ندارند. همچنان که احمد حکیمی‌پور، دبیر کل حزب اراده ملت ایران بیان کرد: «اینکه ذیل پارلمان اصلاحات چه باشد و چه نباشد، مساله‌ای است که شورای هماهنگی جبهه اصلاحات باید درباره آن تصمیم بگیرد. این مساله‌ای که

حزب	موضع
حزب کارگزاران	ایده پارلمان اصلاحات متعلق به هیچکس نیست و در عین حال متعلق به همه است. همه شخصیت‌های موثر اصلاحات جمع‌بندی کرده‌اند که در افاق پیش رو باید حوزه‌های موثر اصلاحات که در قالب شوراهای مشورتی و شوراهای فردی و شورای هماهنگی که هر یک صدایی را نمایندگی می‌کردند، تجمیم شده و به یکپارچگی و توافقی و تفاهم دست پیدا کنند. در این راه گام‌هایی به دانش‌شده و برخی احزاب پیشنهاداتی داده‌اند. جمعی از چهره‌های موثر اصلاح‌طلب نمایندگی پیدا کرده‌اند که پیش‌نویس را تنظیم کنند و با همفکری دیگر احزاب و شخصیت‌ها و تحت‌ار شادات آقای خاتمی به عنوان نماد و پرچمدار جریان اصلاحات آن رای‌ه توافق عمومی برسانیم. اعتماد
حزب اتحاد ملت ایران	تشکیل پارلمان اصلاحات به منظور انتخاب اعضای حقیقی شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان مطرح شد که البته شرایط آن فراهم نیست و اعضای حقیقی با ساز و کار دیگری انتخاب خواهند شد. سر فصل دوم این بود حالا که شورای عالی باید به فعالیتش ادامه دهد اعضای‌ش باید چگونه انتخاب شوند؟ سوال این بود که مثل گذشته اشخاص حقیقی و حقوقی در شورای عالی باشند یا فقط اشخاص حقوقی عضو باشند؟ بنا شد تعداد اشخاص حقیقی نصف اشخاص حقوقی باشد مساله بعدی این بود که اشخاص حقیقی چطور باید انتخاب شوند؟ که دو شیوه مطرح شد: یک شیوه مدل قبلی است که ساز و کاری مانند شورای عالی با شورای مشورتی پیشنهاد دهند. دیگری هم این بود که ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر از اصلاح‌طلبان از سر اسر کشور جمع شوند و اشخاص حقیقی را انتخاب کنند. البته اینکه اسم این جمع چه باشد معلوم نبود و برخی آن را پارلمان اصلاحات نام دادند. او تأکید کرد شکل‌گیری پارلمان اصلاحات در شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان منتفی شده و شورا این پیشنهاد را رد کرده است. اعتماد آنلاین
حزب مردم‌سالاری	ایده پارلمان اصلاحات که اخیراً مطرح شده، در گذشته نه چندان دور در جریان اصلاحات به شکل شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان تشکیل شده است. این شورا، فراگیر ترین جریانی است که در جریان اصلاحات شکل گرفته است تا جایی که اصلاح‌طلبان حزبی و غیر حزبی در این پارلمان حضور دارند. اگر منظور از پارلمان اصلاحات یک جریان فراگیر حزبی باشد، این جریان فراگیر در کشور ما شورای عالی سیاست‌گذاری است. یکی از مهم‌ترین کار کرد هایی که پارلمان اصلاحات باید داشته باشد، ایجاد هم‌دلی و وحدت است به نحوی طیف‌های مختلف اصلاح‌طلب رای‌ه یکدیگر نزدیک کند. اکنون این کار کرد را شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان دارد. به نظر من با وجود شورایی نیاز به اصلاحات دار. اصلاحاتی که نقاط قوت این شورا را تقویت کرده و نقاط ضعف آن را بر طرف کند. در مجموع ارزیابی کلی من از شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان به واسطه موفقیت در انتخابات‌های مختلف مثبت است به همین سبب ضرورتی در تشکیل پارلمان اصلاحات احساس نمی‌شود. اعتماد
حزب اسلامی کار	پارلمان اصلاحات بحث جدیدی نیست؛ دو سال پیش کلیاتش در شورای هماهنگی جبهه اصلاحات به تصویب رسید و مجدداً به پیشنهاد حزب مردم‌سالاری در دستور کار قرار گرفت. وظیفه پارلمان اصلاحات تولید مانیفست و مفاهیم مشترک است تا بین نظرات اصلاحات با بقیه جمعیت‌ها فرق بگذارد. چون گاهی اوقات کسانی که افکار پرندا زانه دارند، خود را در چارچوب‌های اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند در حالی که این طور نیست. اصلاح‌طلبان به بقای نظام و اصلاح امور معتقدند، بنابراین کاملاً متفاوت هستند با کسانی که اصل نظام را قبول ندارند. نقش پارلمان اصلاحات با نقش شورایی عالی اصلاح‌طلبان متفاوت است. یعنی پارلمان اصلاحات تولید مانیفست، سیاست و خط مشی می‌کند و با هیچ بخش دیگری موازی نخواهد بود. تفاوت دیدگاه در همه جریانات و گروه‌ها عم از اصلاح‌طلب، اصولگرا و میانه وجود دارد. هیچ دوا انسانی شویه هم فکر نمی‌کنند اما اینکه ما می‌توانیم با هم بنشینیم گفت و گو کنیم و با آنها به تفاهم برسیم، نکته مهمی است که اصلاح‌طلبان تاکنون توانسته‌اند از این نعمت‌پرند شوند. خانه‌ملت
حزب اعتماد ملی	هر تصمیمی که از یک منشأ خردمندانه در حوزه اصلاحات اتخاذ شود و پاسخگوی نیاز های جدید جریان اصلاحات به ویژه در تحزب باشد از آن استقبال می‌شود. درباره شورایی عالی سیاست‌گذاری نیز ابرادی وجود دارد که این شورا یک شورای انتخاباتی است و در مقاطع انتخاباتی برای آنکه از تجدد جلوگیری شود، شورای هماهنگی اصلاح‌طلبان یک کمیته انتخابات تشکیل داد که این کمیته گسترش پیدا کرد و تبدیل به شورای عالی سیاست‌گذاری شد. اگر قرار باشد پارلمان اصلاحات جایگزین شورای عالی شود، باید به تأیید شورای هماهنگی جریان اصلاحات برسد. آیا پارلمان اصلاحات می‌خواهد جایگزین دایمی شورای عالی سیاست‌گذاری شود که تنها کار دانتخاباتی داشته باشد؟ در این صورت ضرورتی برای تشکیل آن وجود ندارد. اما اگر می‌خواهد پارلمانی تشکیل شود که به موازات شورای هماهنگی احزاب اصلاح‌طلب عمل کرده و دیگر مراجع‌های به احزاب نشود، معنای دیگری خواهد داشت. در این باره به صورت جزئی در حزب اعتماد ملی صحبتی انجام نشده است اما اگر قرار باشند این اتفاق رخ دهد، حتماً این موضوع در دستور کار قرار خواهد گرفت و نظر رسمی خود را اعلام خواهیم کرد. اعتماد

کب و گفت

هاشمی به روایت هاشمی (۵۰)



اگر از خوانندگان ثابت روزنامه باشید می‌دانید که از ماه‌های پایانی سال گذشته به‌صورت دنباله‌دار، خاطرات آیت‌الله هاشمی را در این ستون چاپ کرده‌ایم و چاپ و انتشار قسمت‌های بعدی‌اش ادامه دارد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در شماره قبلی به ماجرای دستگیری خود در قم و پس از تظاهرات دوم شوال اشاره می‌کند. همچنین در شماره قبل ماجرای پخش اعلامیه‌ها مطرح شد. در این شماره ادامه این گفت‌وگو و ماجرای دستگیری ایشان را می‌خوانیم.

■ **این طور که نقل کردند شما شماره تاکسی را نداشته بودید بعد در یک ملاقاتی داده بودید شمار را به اخوی نان؟**

یادم نیست که حالا این طور کرده باشم. به هر حال بعداً فهمیدیم آن تاکسی چیزهاش را به رژیم نداده بود و جایی رسانده بود. نواری بود و چیزهایی بود، اعلامیه بود. در مسیر هم که ما را بردن ما اینقدر خندیدیم که آن مأمورینی که با ما بودند از رفته بودند که اینها چه بازداشتی‌هایی هستند که این طور، اینقدر تفریح می‌کنند و این قدر، اصلاً اعتنایی نمی‌کردم به این چیزها دیگر. قزل قلعه که وارد شدیم آقای قربانی شهید شد ایشان - امام را هم از خمین اینجاها گرفته بودند آوردند. یادم است که وقتی رفتیم اینها بودند. من هنوز نمی‌دانستم که هیات مؤتلفه را در ظرف یکسوی روز یعنی آن هیات مرکزی مؤتلفه را گرفتند چون ما تا تهران نرسیده بودیم، فقط آن گروه منصور را گرفته بودند.

■ **یعنی هنوز آنها را ننشاخته بودند یا لو ترفته بودند؟**

یعنی سرایت نکرده بود تا آن روز که هم قدم بازداشت شدیم. قضیه به اصل هیات مؤتلفه سرایت نکرده بود. در قزل قلعه، یک روز من کنار دیواری ایستاده بودم پنجره داشت. شما رفتید آنجا- در حیاط، همین طور که کنار دیوار ایستاده بودم و بالا سمران پنجره بود دیدم که از آن پنجره کسی با من صحبت می‌کند، آقای توکلی قمی بود. سید ابوالفضل توکلی خب، از دوستان ما بود و ما هم نمی‌دانستیم که اینها را گرفته‌اند. یواش صحبت کرد و خبر داد که هیات مرکزی مؤتلفه را گرفته‌اند و گفت ما را دارند زجر می‌دهند. از دیشب تا حالا خیلی زجرش داده بودند و بازجوی‌ها و کتک‌ها و این چیزها را یک مقدار همانطور که ایستاده بودیم فوتبال بچه‌ها را تماشا می‌کردیم، او می‌گفت: الان من در جریان قرار گرفته که اینها را گرفته‌اند. بعد آمدند ما را صدا کردند برندن برای بازجویی. دو روز هم ما اینجا بودیم بدون این که نمی‌دانم یک روز با دو روز احضار نکرده بودند، مثل همه، شب احضار کردند برندن، آنجا که برندن وضع عوض شد دیگر، ما را برنگردانند به عمومی. پرونده ما مشکل گرفت و ما را بردند در آن جریانات ترور و مسائل دیگری مطرح کردند. ابتداش بازجویی من این کوچه‌فلهانی بود. - کوچه‌فلهانی را مثل اینکه بعد از چیز اعدامش کردند- از آن بازجوی‌های قدیمی سلاواک بود. جوان هم نبود یک پیرمردی بود. خوب او خشن برخورد نکرد. همه چیزهای معمولی را از ما پرسید. منبرهایی که رفتیم همان منبرهایی که در مسجد صاحب‌الزمان (عج) می‌رفتیم. یک چیزهایی از آنجا گزارش داشت. یک مقدار از همان گلستانه‌مان در مدرسه از آنجا گزارش داشت. چیزهایی که گفته بودیم. تظاهرات قم را پرسید. سوابق ما را پرسید. کتاب، همین سر گذشت فلسطین را پرسید. این یک مقدار بازجویی من گفته در دو سه ساعتی بازجویی کرد. بالاخره تا بعدازظهری رسید به این هیات‌های مؤتلفه و اشخاصی ما با اینها و با بخارانی و با امالی و کم‌کم سولات را برد سر این طور چیزها، ما هم جواب‌های عمومی دادیم. مثلاً اینها را از کجایی شناختم، هیات‌های مؤتلفه، ما اسمش را در اعلامیه‌ها با جایی ملأ دیدیم. بیش از این نمی‌دانیم. توجهاتی هم برای سخنرانی‌های ما در آن موقع اولی در حد هم صریح بودیم که مخالف هستیم با این کارها، مقلد امام هستیم حرفمان را می‌زنیم دیگر صریحاً، رفت سراغ من گفته ترور منصور و سولات را برد روی آن مسائل که من گفته ام از این چیزهایی که شما می‌گویید چیزی نمی‌دانم. گفت که ما شما با احترام رفتار می‌کنم ولی اگر به من جواب ندهید کسان دیگری می‌آیند، آنها این‌طوری رفتار نمی‌کنند با تو. آنجا طور دیگری رفتار خواهند کرد. گفتم هر کس بیااید اگر حرف صحیحی بخواهد همین‌ها است دیگر ما را آن موقع اولی در جای اینکه بیرون از عمومی، برندن در سلاول. عصری بعد از نماز مغرب دوباره ما را احضار کردند که از اینجا دیگر داستان شکل دیگری پیدا می‌کند که برای بعد صحبت می‌کنیم که اینجا حرف خیلی هست.

■ **چه کسی علیه شما اعتراف کرده بود، سر نخ این از کجاست شما آمد؟**

من یک احتمال همان منزل آقای شریعتمداری هست. چون آنجا یک صحبتی شد که نصیری را احتمالاً فلان جا - جایی مطرح بود- مثلاً آنجایی خواهند گفت که این حرف آنجا به یک نفر گفته بود. یک احتمال هم آنجاست که تا آخرش هم این را درست رو نکردند فقط می‌گفتند تو یک جایی گفتی. گفتند در بازار گفتی، فلان گفتی. یکی هم بود که ما با آقای بهادران -حرف مسجد شاه- بعد از ماه رمضان یک ملاقات طولانی در بازار سلطانی و مسجدشاه داشتیم، بحث می‌کردیم برای استخلاص این بچه‌ها. برنامه‌ریزی‌ای که پیش علما برویم پیش آقای خونساری برویم، قم پیش آقای گلباگلانی برویم، برنامه‌ریزی می‌کردیم. برای تلاش برای نجات بچه‌ها که مؤتلفه و اینها، که دیگر گیر بینند و امثال اینها. ظاهر آن صحنه مذاکرات ما با آقای بهادران هم مخفی شده بود، اینها را نگرفته بودند. این را اینها می‌دانستند حالا این را چطور می‌مآوری گزارش داده بود که ما آنجا با ایشان چیزی می‌کردیم. جلسه آن مدرسه هم دیگر برای شان شفاف شده بود.